فرهنگ عاشــورا

در سیره معصومین علیه السلام

مهدی صانعی




بسم الله الرحمن الرحیم

فرهنگ عاشورا در سیره معصومین (علیهم السلام)

نویسنده:

مهدی صانعی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فرهنگ عاشورا در سیره معصومین علیهم السلام

مشخصات کتاب

عنوان : فرهنگ عاشورا در سیره معصومین(ع)

پدیدآورندگان : مهدی صانعی(پدیدآور)

ناشر : مهدی صانعی

نوع : متن

جنس : کتاب

الکترونیکی

زبان : فارسی

توصیفگر : قیام عاشورا

فرهنگ زدایی

سیره معصومین

معنی فرهنگ

آداب و عادات و اندیشه ها و اوضاعی که گروهی در آن شرکت دارند، فرهنگ نامیده می شود که از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد. زبان و وسیله های نمادین دیگر عوامل اصلی انتقال فرهنگ است؛ در عین حال ممکن است بسیاری از رفتارها و عادات و رسوم تنها از طریق تجربه حاصل گردد.اصولاـ هر جامعه ای برای خود روش و اسوه ویژه ای از کلیات فرهنگی و رفتاری دارد که امور ضرور انسانی مانند سازمان اجتماعی، دین، حقیقت جویی، ساختمان سیاسی، نحوه تفکر، مؤسسات اقتصادی و فرهنگ مادی آن را به وجود می آورد.از آغاز پیدایش بشر فرهنگ مایه تمایز هر گروه از گروه دیگر بوده است درجه پیچیدگی سازمانهای فرهنگی یکی از ابزارهای تشخیص جامعه های متمدن از جامعه های ابتدایی است. «فرهنگ» به معنی تعلیم و تربیت، نیز به کار رفته چنانچه در شعر فردوسی آمده است:تو دادی مرا فر و فرهنگ و رای تو باشی به هر نیک و بد رهنمای

عاشورا کدام روز است

در کتابهای لغت چنین آمده است: عاشورا با (الف مقصوره) و عاشوراء با (الف ممدوده) را روز دهم و بعضی روز نهم دانسته

اند. زهری گفته است جز در چند مورد، اسمی که بر وزن فاعولاء باشد شنیده نشده. [۱] .از ابن بزرج نقل است که: «ضاروراء» به معنی «ضرا» (سختی) و «ساروراء» به معنی «سرا» (گشایش و شادمانی) و «دالولا» به معنی «دلال» به کار رفته است.صاحب مجمع البحرین در این باره گفته است: «عاشورا یک نام اسلامی است و آن روز دهم محرم است و گاهی الف بعد از عین حذف می گردد و «عشورا» تلفظ می شود». [۲] .و نیز گفته اند که عاشورا کلمه ای است عبری و معرب «عاشور» که

دهم تشری یهود باشد که روزه آن روز «گپور» [کفاره] است و چون آن روز را به ماههای عربی انتقال دادند، روز دهم اولین ماه تازیان شد.چنانچه در ماههای یهود هم در اولین ماه و روز دهم است. [۳] .

روایات جعلی در مورد عاشورا

از امور مسلم تردید ناپذیر و مورد اتفاق تمام فرق اسلامی این است که حضرت امام حسین علیه السلام بی نهایت مورد علاقه و محبت خاص جد بزرگوارش پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بوده است و اظهار این موضوع از روایات فراوانی که تواتر معنوی دارد ثابت می شود. [۴] .گروه کثیری از محدثان اسلامی نقل کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «حسین از من و من از حسینم. خداوند دوست دارد کسی را که حسین را دوست بدارد». [۵] .در محاوره عربها این چنین است که وقتی می خواهند بین خود و دیگری کمال الفت و یگانگی و شدت ارتباط و دوستی را بفهمانند آن تعبیر را به کار می برند و می گویند: «فلان کس از من و من از اویم» چنانچه وقتی می خواهند نفرت و بیزاری خود را نسبت به دیگری اظهار کنند، می گویند: «من از او نیستم و او از من نیست» شاعر گفته است:ایها السائل عنهم و عنی لست من قیس و لاقیس منیپس تعبیر «حسین منی و انا من حسین» یا شبه آن تعبیر مانند «حسین منی و انا منه» بر محبت شدید و اتصال و علاقه تام بین پیامبر صلی الله علیه وآله و فرزند گرامی اش دلالت می کند. و نیز قسمت اول حدیث «حسین منی» ارتباط و اتصال جسمی و قسمت دوم آن «و انا من حسین» ارتباط معنوی را

می رساند. توضیح آن که «حسین منی» می فهماند که امام، پاره تن پیامبر است و به لحاظ مادی به آن حضرت انتساب دارد و «انا من حسین» می فهماند که اگر فداکاری و ایثار و از خودگذشتگی آن جناب نبود، زحمات پیامبر صلی الله علیه وآله به هدر می رفت و اثری از اسلام باقی نمی ماند.در روایات فراوانی آمده است که پیامبر صلی الله علیه وآله آن حضرت را می بوسید و هر وقت او و برادرش امام حسن علیهماالسلام را می دید و مناسبت اقتضا می کرد، با آنان به مداعبه و ملاعبه می پرداخت. عده ای از راویان نقل کرده اند که رسول خدا یک دست را بر قفا و دست دیگر را بر زنخ فرزندش حسین علیه السلام قرار می داد و دهان بر دهانش می گذاشت. [۶] و در برخی از روایات است که پیامبر صلی الله علیه وآله درباره امام حسین علیه السلام فرمود: «فدای کسی بشوم که فرزندم ابراهیم را فدای او کردم». [۷] .از آنچه به اختصار در عظمت و فضیلت سرور شهیدان حسین بن علی علیه السلام بیان داشتیم و نیز از آنچه رسول اکرم صلی الله علیه وآله در شدت علاقه و محبت به فرزند بزرگوارش ابراز داشته، به خوبی در می یابیم که اخبار حاکی از عید بودن روز عاشورا و تبرک جستن در آن روز از قول پیامبر صلی الله علیه وآله دروغ و افترای محض است. چگونه ممکن است قبول کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله روز شهادت ریحانه اش [۸] را که مکرر بر مکرر از آن خبر داده [۹] روز جشن و عید اعلام کند. در صورتی که آن حضرت به یاد

آن روز گریه می کرد.روایات صحیح که در کتب اهل سنت نیز نقل شده بر گریستن رسول خدا صلی الله علیه وآله به خاطر شهادت فرزند فداکارش دلالت دارد.از ام الفضل بنت حارث روایت کرده اند که او گفت:... من حسین علیه السلام را در دامن پیامبر صلی الله علیه وآله گذاشتم. لحظه ای گذشت که ناگهان اشک از چشمانش فرو ریخت. گفتم یا نبی الله پدر و مادرم قربانت گردد چه شده؟! فرمود: جبرئیل آمد و خبر داد که امتم این پسرم را به زودی می کشند! گفتم همین پسر را؟! گفت: آری. [۱۰] .لازم است مسلمین از دسایس بنی امیه برحذر باشند، و به رسول خدا صلی الله علیه وآله اقتدا کنند [۱۱] و او را اسوه و مقتدای خویش قرار دهند. از اعمال و رفتار و گفتار آن پیشوای عظیم الشان پیروی نمایند و بر اثر روایاتی که در زمان سلطنت بنی امیه درباریان جعل نموده بودند [۱۲] نباید از روش آن حضرت منحرف شوند که سالروز شهادت فرزند دلبندش را جشن بگیرند و آن روز را روز عید و شادی و مبارک قرار دهند. [۱۳] .بر مسلمانان است که بخود آیند، بیدار شوند، به حقیقت اسلام توجه کنند و بیندیشند تا آنچه را که دشمنان پیامبر و اسلام داخل دین کرده اند کنار بزنند و بفهمند که اسلام واقعی کدام است و بر چه محور دور می زند. در هر امری از امور به دیده انتقاد و تحقیق بنگرند و سرسری و تقلیدی آن را نپذیرند. [۱۴] .بنی امیه با بنی هاشم کینه دیرینه داشتند. [۱۵] از طرف دیگر چون منصب شامخ نبوت در خاندان بنی هاشم بود و آنان این موهبت و افتخار را برنمی تافتند،

تا توانستند با اسلام به ضدیت و معاندت پرداختند.آنها در اصل به اسلام هیچ گونه اعتقادی نداشتند. عقاد نویسنده و متفکر شهیر مصری می گوید: ابوسفیان پس از آن که اسلام آورد غلبه اسلام را غلبه بر خود تلقی می کرد. [۱۶] .هند، مادر معاویه پس از اسلام آوردنش فریاد می زد: چرا جنگ نکردید و از خود و سرزمینتان دفاع ننمودید؟!ابوسفیان و پسرش معاویه پس از فتح مکه اسلام آوردند. ابوسفیان و خانواده اش با دشواری تمام اسلام را گردن نهادند. بدین معنی که در ظاهر اسلام آوردند و در واقع اسلام را قبول نداشتند. [۱۷] ابوسفیان بر قبر حضرت حمزه علیه السلام ایستاد و گفت: ای اباعماره بر امارت و فرمانروایی با ما جنگیدی که آن به ما انتقال یافت. [۱۸] .به نظر می رسد معاویه به نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله اعتقاد نداشت به دلیل آن که عده ای از مصریان بر وی وارد شدند و گفتند: «السلام علیك یا رسول الله» او آنان را از این گفتار منع نکرد. [۱۹] .محققان اهل سنت به سندهای متعدد در تفسیر آیه شریفه «الم تر الی الذین بدلوا نعمت الله کفرا»، [۲۰] ذکر نموده اند که مقصود دو طایفه تبهکار بنی امیه و بنی المغیره است. [۲۱] .

سیاست بنی امیه در جهت محو آثار نهضت عاشورا

معلوم است که بنی امیه با این پیشینه سیاه و خباثت [۲۲] چون اسلام را با منش و خواسته های مادی خود موافق نمی دیدند به انحا و وسائل گونه گون، در تضعیف اسلام و خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله که نگهبان و بیان کنندگان دستورهای اسلام و قرآن بودند، کوشیدند از جمله آن که برای پاشانیدن گرد فراموشی به واقعه کربلا و آثار آن به روحانی نمایان درباری دستور دادند

که روز عاشورا را، روز جشن و عیـد و روز بسـیار مبارک معرفی کننـد! و در این باره حدیث جعل نمایند. این حدیثها به گونه ای است که هر کس انـدکی به آنها توجه کنـد آشـکارا مجعول بودن آنها را می فهمـد، مثلا روایت کرده انـد که چون پیامبر صلی الله علیه وآله به مـدینه آمـد. دید که یهود روز عاشورا روزه می گیرند آن حضـرت از آنان پرسـید: چرا این روز را روزه داریـد؟ گفتند: چون خداوند فرعون و پیروانش را در این روز غرق کرد و موسـی و یارانش را نجات داد. آنگاه پیغمبر فرمود: ما از یهود به موسـی سزاوارتریم. و به اصحاب خود دستور داد که آن روز را روزه بدارند.ساختگی و مجعول بودن این حدیث از دو طریق ثـابت است:الف) بنـابر تحقیقی که ابوریحـان انجام داده است «این که یهود می گوینـد خداونـد فرعون را در روز عـاشورا غرق کرد، خلاـف تورات است. زیرا فرعون روز بیست و یکم نیسان که هفتم از ایام فطیر است غرق شـد و اول فصـح یهود پس از قدوم پیامبر صـلی الله علیه وآله به مدینه روز سه شـنبه بیست و دوم آذار با نهصد و سـی و سه اسکندری بود که با روز هفـدهم ماه رمضان موافق می شد. روزی که خداوند فرعون را غرق کرد بیست و سوم ماه رمضان می شود، پس برای این روایت وجهی نخواهد بود». [۲۳] .ب) در این روایت آمده است که پیامبر از یهود پرسـید که چرا این روز را روزه می گیرید؟ گفتنـد چـون خداونـد در ایـن روز فرعـون را غرق کرد. سـاختگی بـودن این روایت از آن جهت آشـکار می گردد که در آن نسبت

نـادانی به نـبی بزرگـوار اسـلام داده شـده به گونه ای که پس از آگهی یـافتن از موضوع و یـادآوری یهودیـان امری به فکرش خطور نموده و حکمی بر آن مترتب کرده است! چنان که معلوم است این گونه امور از ساحت قدس پیامبر صـلی الله علیه وآله به دور است. ابوریحـان دربـاره روز عـاشورا و امور مربوط به آن چنین توضـیح داده است...«قتـل حسـین بن علی بن ابی طالب علیه السـلام در این روز اتفاق افتاد. و او و یارانش را از راه بستن آب، بر آنان، گذراندن از دم شمشیر، انداختن آتش در خیام حرم، بر نیزه کردن سـرها، اسب دوانیـدن بر اجساد که در هیچ امتی حتی با اشـرار خلق چنین نکرده اند، از میان بردند و از این تاریخ، مسلمانان، عاشورا را شوم دانستند. اما بنی امیه در این روز لباس نو پوشیدند و زیب و زیور کردند و سرمه به چشم خود کشـیدند و این روز را عید گرفتند و عطرها اسـتعمال نمودند و مهمانیها و ولیمه ها دادند. و تا زمانی که ایشان بودند، این رسم در توده مردم پایـدار بود، حتی این که پس از انقراض ایشان باز هم این رسم باقی ماند ولی شـیعیان از راه تاسف و سوگواری به قتل سیدالشـهداء در مدینه السـلام و بغداد و شهرهای دیگر گریه و نوحه سرایی می کنند و تربت مسعود حسین را در کربلا در این روز، زیارت می نمایند. و چون خبر کشـته شدن حسـین را به مدینه آوردند، دختر عقیل بن ابی طالب بیرون آمد و این اشعار را برخواند:ماذا تقولون ان قال النبی لکم ماذا فعلتم و انتم آخرالامم بعترتی و باهلی بعد مفتقدی نصف

اساری و نصف ضرجوا بدم ما کان هذا جزائی اذ نصحت لکم ان تخلفونی بسوء فی ذوی رحمابراهیم بن اشتر ناصر و یاور آل رسول الله در این روز کشته شد. و می گویند در این روز بود که خداوند توبه آدم را پذیرفت و در این روز بود که کشتی نوح بر جودی فرود آمد. و عیسی بن مریم در این روز، زاییده شد. و موسی و ابراهیم در این روز نجات یافتند. در این روز آتش به ابراهیم برد و سلام گردید و در این روز چشم یعقوب بینا شد. یوسف از چاه بیرون آمد. سلیمان از نو به سلطنت رسید. عذاب از قوم یونس برداشته شد. بدبختی و بیچارگی از ایوب مرتفع گشت. دعای زکریا مستجاب شد و یحیی را به او بخشیدند و گفته اند یوم الزینه موعد سحره فرعون در وقت زوال این روز بود. و این اتفاقات را که در این روز ذکر نموده اند، اگر چه وقوع آن امکان عقلی دارد اما معلوم است که ناقلان آنها دسته ای از عوام محدثان بوده اند. و یا آن که خواسته اند با اهل کتاب [۲۴] مسالمت کنند.»ابوریحان به جهت حسن ظن یا به جهات دیگر وانمود نکرده که این گونه روایات مجعول است. بلکه گفته است ناقل آن روایات عوامند یا برای مسالمت با اهل کتاب آنها را نشر داده اند، در هر صورت نتیجه همان است که آن روایتها عاری از حقیقت است.بسیار مناسب است که آنچه را امام صادق علیه السلام در این باره بیان فرموده است نقل کنیم: عبدالله بن فضل بن هاشمی گفت: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم چگونه عامه (مردم) روز عاشورا را روز برکت نامگذاری کرده اند؟ در

این هنگام آن حضرت گریه کرد. سپس فرمود: وقتی که (امام) حسین علیه السلام کشته شد، مردم در شام، به یزید تقرب می جستند و حدیث جعل می کردند. و اموالی به عنوان جایزه دریافت می نمودند، از جمله امور مجعوله این بود که این روز را روز برکت (و سرور) اعلام داشتند، تا مردم از جزع و گریه و مصیبت و اندوه به شادی و خوشحالی و تبرک جستن بپردازند و به آن سرگرم باشند». [۲۵] تا مردم آن واقعه حزن انگیز را فراموش کنند و در نتیجه بنی امیه از لعن و نفرین ابدی و پی آمدهای ناگوار جنایت هولناکی که انجام داده بودند درامان بمانند. پس در واقع این نوعی سیاست بود که دستگاه تبلیغی بنی امیه امر را بر مردم مشتبه ساخت و خواستند بواسطه منحرف نمودن اذهان عمومی، بر زشتی جنایاتشان سرپوش بگذارند و برای رسیدن به این هدف به انواع دسایس و حیله ها متوسل شدند. دسیسه دیگر آنها این بود که شایع کردند امام حسین علیه السلام کشته نشده بلکه انعکاسی از وی بر حنظله بن اسعد شامی قرار گرفته و او به جای آن حضرت به قتل رسیده و امام به آسمان عروج نموده چنانچه حضرت عیسی این چنین بود [۲۶] و این سیاست عین همان سیاستی است که پس از وفات پیامبر صلی الله علیه وآله و مشغول ساختن افکار مردم نسبت به جانشین واقعی آن حضرت در پیش گرفتند و شایع ساختند که پیامبر از دنیا نرفته و زنده است. [۲۷] .اگر این شایعه پراکنی نبود، قویا احتمال داشت که عده ای به این فکر بیفتند که چرا وصیتها و سفارشهای پیامبر صلی الله علیه

وآله را درباره جانشین واقعی اش حضرت علی علیه السلام کنار گذاشتند و هنوز پیامبر را دفن نکرده برای امارت و خلافت به گفتگو و اختلاف پرداختند و می خواهند دیگری را به جای آن حضرت، به خلافت بردارند.بدون شک از نظر روایی آن شایعه از جهت انصراف افکار عمومی و برگرداندن توجه مردم از این امر مهم تاثیری بسزا داشت، تا در این گیرودار بتوانند خلیفه موردنظر خود را به قدرت برسانند. و این شایعه - چنان که بعضی گمان کرده اند - از روی جهل و اشتباه صورت نگرفت، بلکه روی نقشه حساب شده طرح شده بود.

عظمت قیام امام حسین

نهضت امام حسین علیه السلام نهضتی مقدس، متعالی و روحانی بود. پاکی، خلوص، بی اعتنایی به دنیا، بری بودن از اغراض شخصی و آز و جاه طلبی و خودخواهی از ویژگیهای این قیام است. [۲۸] انقلاب آن حضرت درس قسط، عدالت، توحید، شرافت، ایثار و فداکاری به مردم داد. [۲۹] .فرزند پیامبرصلی الله علیه وآله با خون خویش درخت اسلام را که رو به خشکیدگی گذاشته بود، آبیاری کرد و در تاریکی ظلم و فساد بنی امیه درخششی بوجود آورد که آن محیط ظلمانی را نور و روشنایی بخشید و بزرگراه سعادت را نمایان کرد و ابرهای تیره و تاری از آسمان بر جوامع اسلامی بلکه جوامع انسانی پراکنده شد و چهره اسلام را چنان که هست بر جهانیان آشکار ساخت [۳۰] به همین جهت است که سوره «الفجر» سوره «الحسین» نامگذاری شده است.از امام صادق علیه السلام نقل شده که این سوره درباره حسین علیه السلام نازل شده و سوره حسین است [۳۱] و چون آن جناب با اخلاص کامل در راه

خدا خاندان و اموالش را فدا نمود، با اطمینان و اشتیاق فراوان به دیدار معبود خود شتافت و مصداق واقعی «نفس مطمئنه» واقع شد، و در نزد پروردگار در جوار رحمتش قرار گرفت، لذا امام صادق علیه السلام فرمود: مقصود از «نفس مطمئنه» حسین و یاران اوست که صاحب نفس مطمئنه اند که در روز قیامت رضوان خدا برای ایشان است و خداوند از ایشان راضی است. [۳۲] .او کسی است که با نیل به درجه رفیع شهادت جاودانگی یافت، به میزانی که در راه موضوعی فدا و فانی می شود ارزش آن را به خود می گیرد و کسب می نماید.حسین بن علی علیه السلام کسی است که تمام هستی و متعلقات خویش را با اخلاص در راه خدا که اصل و منشا تمام کمالات و تقدسهاست، فدا و فانی نموده است پس جای شگفتی نیست که بگوییم تمام تقدسها و کمالات و جاودانگی به وجود فدا شده اش انتقال یافته است. [۳۳] و نیز بی جهت نیست که محبت و عشق به آن حضرت در دلهای مؤمنان جایگزین شده به همان گونه که محبت و علاقه به خداوند در آن دلها جای دارد. لذا از رسول اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده است: «همانا برای شهادت حسین علیه السلام حرارتی وجود دارد که هیچ گاه سرد نمی شود. [۳۴] و نیز فرمود: «برای حسین علیه السلام در دلهای مؤمنان محبتی است». [۳۵] .آری! حضرت سیدالشهدا علیه السلام که از روی خلوص به پیشگاه معبود خویش سر عبودیت فرود آورده و بر آن مداومت ورزیده، به اوج کمال و قرب رب ذی الجلال رسیده و آن قدر شرافت و قداست پیدا کرده که صحیح

است او را به خـدا نسـبت دهند، مثلا بگویند: دست او، دست خدا، خون او خون خدا و گوش و زبان و چشم او، گوش و زبان و چشم خـداست، و این بـدان جهت است که توجه به خدا، فدا شدن در راه او، و اسـتمرار بر طاعتش، چنان انقلابی در وی به وجود آورد که عظمت خداونـدی به او نسـبت داده می شود زیرا از معنویت ارتبـاط بـا خداونـد متاثر گشـته است. در این باره حـدیثی از امام باقر علیه السـلام نقل شـده است که همین معنی را می رسانـد و می فهمانـد که آدمی با رشـته ارتباط و بندگی خالصانه خـدا به مقامی می رسـد که در فکر نگنجد و شـرافت و قداست و ابدیت ذات اقدس ربوبی او را متاثر می سازد و آن خصوصـیات به او انتقال می یابد:... ان الله جل جلاله قال: ما تقرب الی عبد من عبادی بشـی ء احب الی مما افترضت علیه و انه یتقرب الی بالنـافله حتی احبه فاذا احببته کنت سـمعه الـذی یسـمع به و بصـره الـذی یبصـر به و لسانه الـذی ینطق به و یـده التی یبطش بهـا. ان دعانی اجبته و ان سالنی اعطیته. [۳۶] .حسـین بن علی علیه السـلام که در راه خدا و در راه افکار عالیه اش شهید شد وجود مادی خود را نفی کرد اما به صورت منبع فضیلت و مرکز شرافت و عظمت وجود جاودانه خود را اثبات نمود عقل و دین حکم می کند که بزرگان و افراد برگزیده را در حال حیات و ممات ارج نهیم و آنان را دوست بداریم و از یاد نبریم و در سالروز وفات و شهادتشان مجالس یادبود برپا کنیم. به ویژه

که آن شخص تمام هستی خودش را در طبق اخلاص نهاده و از هیچ فداکاری در راه خدا دریغ نورزیده باشد.از این جهت است که در اقطار مختلف اسلامی به نام آن حضرت اقامه مجالس می کنند و چنین نیست که تکریم و تعظیم آن حضرت اختصاص به شیعیان داشته باشد مثلا در کشور مصر در روز ولادت آن حضرت و خواهر بزرگوارش حضرت زینب مجالس جشن و سرور برپا می دارند. [۳۷] و درباره فضایل ایشان قلمفرسایی می کنند و کتابها و مقاله ها می نویسند. [۳۸] .حسین بن علی علیه السلام برای هدفی بس عالی در راه معبود خود با نفس نفیس جهاد نمود. [۳۹] و برای احیای فضیلت و شرافت و برقراری آزادی و بیداری بشر قیام کرد. پس سزاوار است که تمام جوامع انسانی - خواه مسلمان خواه غیرمسلمان - به پاس احترام و بزرگداشت آن شخصیت عظیم الشان سالروز شهادت آن حضرت را بزرگ بشمارند و به سوک و ماتم بنشینند.او ابرمرد عالم و شخصیت بسیار بزرگواری است که تمام مکارم و فضایل را دارا بود به گونه ای که ابعاد گسترده بسیار وسیع وجودش همگان را متحیر ساخته است. [۴۰] .از لحاظ نسب نیز کسی به پایه امام حسین علیه السلام نمی رسد: جدش رسول خدا سیدالمرسلین و خاتم النبیین و پدرش علی مرتضی سیدالوصیین و مادر فاطمه زهرا سیده نساء عالمین و برادرش امام حسن مجتبی، و عمویش جعفر طیار و عموی پدرش حمزه سیدالشهداء است.فکر او بر محور ابدیت و ماورای محسوسات دور می زند او شهادت را برگزید و منیه را بر دنیه و کرامت قداست را بر لئامت اطاعت بدسگالان و نابکاران ترجیح داد. [۴۱] .فرزند پیامبرصلی الله

علیه وآله چنـدان ثبـات و اسـتقامت و شـجاعت و بردبـاری و صبر از خود بروز داده که نظر همه متفکران و بزرگـان را به خود جلب نموده و همگـان در برابر عظمتش سـر تعظیم فرود آورده انـد. و هر کس که درباره احوال و رفتار آن حضـرت مطالعاتی داشـته باشد غیر ممکن است مجذوب فضایل و شخصـیت او نگردد و از مصایبی که برای نجات اسـلام و بشـریت متحمل شده متاثر و اندوهگین نشود.

عاشورا یوم الله است

روزهایی که در آن روزها وقایع مهمی انجام می شود و مسیر تاریخ در جهت رشد و کمال تغییر می نماید و سبب می شود که تحول در اجتماع به وجود آید و مردم راه فضـیلت و سعادت را در پیش گیرند، «ایام الله» نامیده می شود. در قرآن مجید در دو مورد (سوره ابراهیم آیه ۵ و سوره الجاثیه آیه ۱۴) ایام الله ذکر شـده است.از ابن عباس روایت شده که منظور از آن روزهایی است که در آن روزهـا در امم پیشـین وقـایعی مهم رخ داده است واضـح است که منظور وقایعی [۴۲] است آموزنـده که بدان وسـیله مردم از جهل و غفلت رهایی یافته انـد و دگرگونی در تمام شؤون زنـدگی شان پدیـد آمده است. چون شـهادت سـبط پیامبرصـلی الله علیه وآله و یارانش در روز عاشورا باعث شـد که حقایق آشـکار شود و اسـلام تجدیـد حیات نمایـد سـتمگران رسوا شدند و تغییر اساسـی در جامعه اسـلامی به وجود آید، آن روز «یوم الله» به حساب آمد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله روایت شده است که عاشورا از «ایام الله» است. [۴۳] این روز به اندازه ای اهمیت داشته که به امم پیشین نیز معرفی شده تا آنان نیز

نتایجی را که بر این روز عظیم ترتب می یابد درک کنند و آن را پاس دارند.در حدیث مناجات حضرت موسی علیه السلام آمده است که حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: خدایا! به چه جهت امت پیامبر خاتم را بر سایر امم برتری داده ای؟ خداوند فرمود: ده خصلت است که موجب برتری ایشان شده است. موسی علیه السلام گفت: آنها کدامند تا به بنی اسرائیل دستور دهم که به آنها عمل کنند. فرمود: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، جمعه، جماعت، قراءت، علم و عاشورا. حضرت موسی علیه السلام پرسید: عاشورا چیست؟ فرمود: گریه کردن و خود را به گریه واداشتن بر سبط پیامبر خاتم است. [۴۴] از این حدیث برمی آید که اهمیت دادن به عاشورا و بهره مند شدن از آثار آن روز عظیم، در ردیف صلاه و صوم و سایر مبانی مهم اسلامی است و این بدان جهت است که اگر واقعه عاشورا و شهادت فرزند پیامبر صلی الله علیه وآله نبود از اسلام واقعی و صلاه و صوم و سایر ارکان اسلام اثری برجای نمی ماند.

عاشورا در سیره ائمه اطهار

از آنچه تاکنون ذکر نمودیم روشن می شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و ائمه اطهار علیهم السلام در روز عاشورا به یاد آن همه مصایبی که بر امام حسین علیه السلام وارد شده اندوهگین می شده اند و به دیگران هم دستور می داده اند که در آن روز به عزاداری بپردازند و به سوک و ماتم بنشینند. [۴۵] هر چند چنین دستوری از جانب معصومان صادر نمی شد بر مسلمین لازم بود که در آن روز مراسم عزا به پای دارند و آثار حزن و ماتم در ایشان ظاهر گردد، زیرا همان طور که پیشتر

اشاره کردیم کسی که رسول خدا را دوست داشته باشد غیرممکن است که به فرزند آن حضرت عشق نورزد و او را دوست نداشته باشد. و در روز شهادتش غبار حزن و ماتم بر دلش ننشیند. واضح است که اگر فردی در روز مصیبت دوستش ناراحت و آزرده خاطر نگردد، دوستی او ظاهری و سطحی است و در واقع او را دوست نمی دارد؛ زیرا ارتباط معنوی بین دو دوست ایجاب می کند که در غم و شادی یکدیگر شریک باشند. [۴۶] پس اگر ما در روز عاشورا متاثر نشویم و در خود احساس ماتم و اندوه ننماییم بدون تردید در دوستی مان نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و فرزندش که بسیار مورد تکریم و محبت آن بزرگوار بوده است صادق نیستیم. [۴۷] در کتب فریقین روایات بسیاری نقل شده که پیامبر صلی الله علیه وآله بارها بر مصایب امام حسین علیه السلام که جبرئیل از آن خبر داده بود، گریه کرد. در پیش روایت صحیحی از مستدرک حاکم نیشابوری از ام الفضل بنت الحارث در این باره نقل کردیم.همچنین از کتاب «ذخایر العقبی» از ام سلمه بازگو شده است که او گفت رسول خدا را دیدم در حالی که بر سر حسین دست می کشید، گریه می کرد. عرض کردم: چرا گریه می کنی؟! فرمود: همانا جبرئیل به من خبر داد که این پسرم در سرزمینی به نام کربلا کشته می شود. سپس مقداری خاک قرمز رنگ به من داد و فرمود: این از خاک همان سرزمین است و هر زمان آن خاک به خون مبدل گشت بدان که وی کشته شده. ام سلمه گفت: آن خاک را در

شیشه ای نزد خودم نگه داشتم و با خودم می گفتم آن در روز بسیار عظیمی به خون مبدل می شود. [۴۸] گفتگو درباره بیانات و مطالبی که از معصومان در مورد عاشورا ابراز داشته اند و نیز بررسی روش ایشان در آن روز بسیار مفصل است که در این مختصر نگنجد. اما به طور کلی می توان گفت که آن بزرگواران در روز عاشورا به عزاداری و سوگواری می پرداختند. دستور می داده اند، مرثیه خوانان، شعرا و کسانی که از آن واقعه مطلع بوده اند، آن واقعه را برای دیگران تشریح کنند و مصایبی را که در آن روز بر اهل بیت پیامبر وارد شده بیان نمایند. و مقصودشان این بوده که آن رویداد به صورت یک مکتب پویا و خط دهنده برای همیشه زنده بماند. لذا تاکید کرده اند که عاشورا را از یاد نبرید و به نام امام حسین مجالس سوگ و ماتم به پا دارید، تا حقایقی که آن حضرت به آن جهت به شهادت رسیده فراموش نشود.روشن است که احکام اسلامی بر مبنای جلب مصلحت و دفع مفسده پایه گذاری شده است. بنابراین منظور از به پا داشتن مجالس عزای حسینی این نیست که تنها برای خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله همدردی و تسلیتی باشد و به قول روضه خوان ها حضرت زهرا علیهاالسلام را خوشحال کنیم و چنین بپنداریم که به هر اندازه گریه کنیم به همان اندازه تسلی خاطر برای رسول خداصلی الله علیه وآله و حضرت فاطمه علیهاالسلام فراهم آورده ایم اگر عقیده مان درباره به پا داشتن مجالس حسینی تنها این موضوع باشد یقینا مقاصد حضرت پیغمبر و حضرت علی و حضرت فاطمه را پایین آورده ایم. بدون شک تاکید بر

این که مراسم عاشورا و عزای حسینی فراموش نشود مقصود آن است که واقعه کربلا به عنوان مکتب تعلیم و تربیت الهی برای همیشه زنده باشد.آری به وسیله همین مجالس است که دین اسلام تبلیغ می شود و بر اثر واقعیاتی که در آن مجالس بیان می گردد مردم حق را از باطل تشخیص می دهند و راه خود را بازمی یابند. بنا به گمان برخی از سیاحان فرانسوی، از پیشرفت طایفه شیعه بدون امکانات تبلیغاتی و قوه قهریه در این دوره کوتاه می توان گفت که در یکی دو قرن آینده به لحاظ کمی بر سایر فرق مسلمان غلبه خواهد کرد و سبب آن همین تعزیه داری است که فرد فرد این فرقه را داعی و مبلغ مذهب خود ساخته است. امروزه هیچ نقطه ای از نقاط عالم را نمی بینیم که دو نفر شیعه باشند و اقامه عزای حسینی ننمایند و بذل مال و منال نکنند.در کتاب «السیاسه الحسینیه» آمده است یک نفر عرب شیعی بحرینی را دیدم که در هتل یکه و تنها مجلس عزا برپا کرده، کتاب گرفته بر کرسی نشسته، چیزی می خواند و گریه می کرد و سپس آنچه را از ماکول و مشروب برای آن مجلس تهیه دیده بود میان فقرا تقسیم کرد. [۴۹] .شیخ طوسی از عبدالله بن سنان روایت کرده است که او گفت: بر سرورم جعفر بن محمد علیه السلام در روز عاشورا وارد شدم، او را با چهره گرفته و ظاهری اندوهگین در حالی که اشکهایش مانند مروارید افشان فرو می ریخت، ملاقات کردم! عرض کردم ای پسر رسول خدا چرا گریه می کنی؟ - خدا چشم تو را نگریاند - فرمود: آیا غافلی که حسین بن

علی در مثل این روز به قتل رسیده و (دچار مصیبت شده)؟ از آن حضرت پرسیدم: سرورم، رای شما درباره روزه این روز چیست؟ فرمود: روزه بگیرید بدون این که آن را روزه به حساب آورید و افطار کنید بدون این که آن را موجب خوشحالی و «برکت» قرار دهید، و آن را روزه کامل قرار مدهید. یک ساعت پس از نماز عصر با آب افطار کنید. [۵۰] شیخ صدوق به سند خودش از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: «ماه محرم ماهی است که در زمان جاهلیت، در آن ماه جنگ و ظلم را حرام می دانستند، اما در آن ماه خون ما حلال دانسته شد و حرمت ما هتک گردید. اهل بیت و زنان ما اسیر شدند، خیمه های ما سوزانیده شد و اموال ما غارت گردید و هیچ احترامی برای رسول خدا درباره ما ملحوظ نگردید! همانا روز قتل حسین علیه السلام در صحرای کربلا چشمهای ما را مجروح، اشک ما را جاری، و عزیز ما را [به حسب ظاهر] خوار ساخت. و تا آخر دنیا موجب غصه و بلای ما گردید. پس بر همچون حسین علیه السلام باید گریه کنندگان بگریند. که گریه بر وی گناهان بزرگ را فرو می ریزد. سپس فرمود: هنگامی که ماه محرم داخل می شد پدرم خندان دیده نمی شد و اندوه بر وی غالب بود تا هنگامی که عاشورا سپری می گشت و وقتی که روز عاشورا فرامی رسید، آن روز، روز مصیبت و اندوه و گریه اش بود و می فرمود: این همان روزی است که حسین علیه السلام در آن روز به قتل رسید. [۵۱] .از ابوالفرج اصفهانی در کتاب

«الاغـانی» نقل شـده که او به سـند خودش از علی بن اسـماعیل تمیمی و او از پـدرش بازگو نموده که وی نزد امام صادق علیه السـلام بود و خدمتگزارش برای سـید حمیری اجازه ورود به مجلس درخواست کرد حضرت دستور داد که او را به آن مجلس بیاورند و زنان را در پس پرده جای داد و سـید حمیری وارد شد، سـلام کرد و نشست امام علیه السلام از وی خواست در رثای امام حسـین علیه السـلام شـعر بخوانـد. او در این باره اشـعاری خواند که اولش این است:امرر علی جدث الحسـین فقل لاعظمه الزکیه یا اعظما لا زلت من و طفاء ساکبه رویهدیدم اشـکهای امام صادق علیه السـلام بر عارضش فرو می ریخت و ناله و فریاد از خانه اش برخاست تا این که دسـتور داد از ناله و گریه خودداری کننـد و چنین کردند. [۵۲] .اخبار و روایات درباره لزوم به پا داشـتن مجالس عزای حسینی و گریستن بر مصایب آن حضرت بسیار زیاد و به حد تواتر است که نقل آنها درخور رساله ای است. [۵۳] اکنون برای رعـایت اختصـار تنهـا به ذکر روایتی که عبـدالله بن فضـل از امام صادق علیه السـلام روایت نموده می پردازیم و آن را ختام مقال خویش قرار می دهیم: عبدالله بن فضل گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم ای پسر رسول خدا، چگونه روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و جزع و گریه قرار داده شده و روزی که رسول خدا قبض روح شد و روزی که حضرت فاطمه علیهاالسلام از دنیا رفت و روزی که امیر مؤمنان به قتل رسید و روزی که حضرت امام حسن به زهر

کشته شد بدین گونه نیست که روز حزن و اندوه اعلام شده باشد؟ (امام) فرمود: همانا روز مصیبت قتل حسین علیه السلام از همه ایام دیگر عظیم تر است و این بدان جهت است که اصحاب کسا که نزد خداوند گرامی ترین خلق اند پنج نفر بودند: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وآله از میان ایشان رفت، امیرمؤمنان و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام باقی بودند که مردم به ایشان تسلی و گشایش حاصل کنند. و وقتی که حضرت فاطمه از دنیا رفت به وسیله امیرمؤمنان و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهم السلام برای مردم تسلی و گشایش بود و زمانی که امام حسن علیه السلام به شهادت رسید برای مردم به وجود حسین علیه السلام تسلی و گشایش بود. اما آن گاه که آن حضرت علیه السلام به قتل رسید هیچ کس از اصحاب کسا نبود که بعد از او برای مردم به او تسلی و گشایش باشد پس از دنیا رفتن آن حضرت به منزله از دنیا رفتن همگی ایشان بود. چنان که ماندن وی در این عالم به منزله ماندن همگی ایشان بود. بدین جهت است که روز شهادت او به لحاظ مصیبت برترین روزهاست. عبدالله بن فضل گفت: به امام عرض نمودم: ای پسر رسول خدا چرا برای مردم بعد از اصحاب کسا به علی بن الحسین علیه السلام تسلی و گشایش نبود. به همان گونه که به پدرانش برای آنان تسلی و گشایش بود؟ فرمود: همانا علی بن حسین بعد از درگذشت پدرانش سید عابدین و امام و حجت بود، اما رسول خدا را دیدار ننمود و از وی کلامی

نشـنید و علمش از پدرش و پدرش به وسـیله جدش به آن حضـرت به ارث رسـیده بود و مردم امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسـین را با رسول خدا بسـیار در حالات مختلف مشاهده کرده بودند پس هر وقت به یکی از ایشان نگاه می کردند حال او را نسبت به رسول خـدا و گفتـار آن حضـرت را به او و دربـاره او به یاد می آوردنـد هنگامی که ایشان درگذشـتند مردم دیـدار کسانی را که در نزد خداوند عزوجل بزرگوارترین بودند از دست دادند. از دست رفتن همگی شان نبود مگر وقتی که حسـین علیـه السـلام از دسـت رفـت چـون او پس از همـه درگـذشت، بـدین جهت است که روز قتـل آن حضـرت به لحـاظ مصـیبت بزرگترین ایـام است. عبـدالله بن فضـل گفت: عرض کردم: ای پسـر رسول خـدا چگونه عـامه مردم روز عـاشورا را روز برکت نامگـذاری کرده اند. آن حضـرت گریه کرد سـپس فرمود: وقتی که حسـین علیه السـلام به قتل رسـید، بدین وسـیله گروههای زیادی به یزید تقرب جستند و برای خوش آمدن او به جعل حدیث پرداخته شد و برای این کار اموالی به عنوان جایزه دریافت کردند و از جمله مجعولات آنان درباره همین روز بود.و الحمدلله اولا و آخرا.

پاورقی

[۱] رک: دائره المعارف مصاحب و لغتنامه دهخدا ماده «فرهنگ».

[۲] رک: لسان العرب و مجمع البحرین، ماده «عشر».

[۳] الآثار الباقیه عن القرون الخالیه باب «القول علی ما یستعمله اهل الاسلام».

[۴] فضایل الخمسه من الصحاح السته ۳/۲۶۰ و ۲۶۲ ط سال ۱۳۸۴ مطبعه النجف و بحارالانوار ۴۴/۲۵.

[۵] همان ماخذ. «احب الله من احب حسینا حسین سبط من الاسباط» و فهارس مسند ابن حنبل ماده «احب».

[۶] فضایل الخمسه ۳/۲۶۱.

عن جابر: کنا مع رسول الله صلی الله علیه وآله فدعینا الی طعام فاذا الحسین علیه السلام یلعب فی الطریق مع الصبیان فاسرع النبی امام القوم ثم بسط یده فجعل حسین یفر هاهنا و هاهنا...

[۷] ... فدیت من فدیته بابنی ابراهیم. اشاره به این موضوع است که خداوند به پیامبر صلی الله علیه وآله وحی نمود که یکی از دو فرزندت (حسین علیه السلام یا ابراهیم علیه السلام را فدای دیگری کن و این چنین نیست که بخواهم هر دو برای تو بمانند آنگاه پیامبر گریه کرد و این چنین مصلحت دید که ابراهیم علیه السلام را به خاطر فرزندش امام حسین علیه السلام (که فرزند علی و زهرا علیهماالسلام نیز می باشند) فدا کند. رک. فضایل الخمسه ۳/۲۵۷ به نقل از تاریخ بغداد.

[۸] وسائل الشیعه، ۱۵/۹۷ ط اسلامیه: ریحانتی من الدنیا الحسن و الحسین...

[۹] فضائل الخمسه، ۳/۲۷۰ و ما بعد و بحارالانوار ۴۴/۲۵۰. [

[۱۰] ... فوضعته فی حجره ثم حانت منی التفاته فاذا عینا رسول الله تهریقان من الدموع. قالت قلت یا نبی الله... رک: فضایل الخمسه ۳/۲۷۰. این روایت از مستدرک حاکم نقل شده او گفته است این روایت بنا بر شرط شیخین صحیح است.

[۱۱] لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه. سوره احزاب آیه ۲۱.

[۱۲] «اضواء علی السنه المحمدیه و دفاع عن الحدیث» تالیف محمود ابوریه ط ۵ صفحه ۱۲۶ به بعد.

[۱۳] دائره المعارف بستانی و مصاحب ماده «عشر» و در زیارت عاشورا آمده است. «هذا یوم تبرکت به بنوامیه...».

[۱۴] فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه، سوره زمر آیه ۱۷ و ۱۸.

[۱۵] الحسین ابوالشهدا عباس محمود العقاد، ص ۳۳-۳۲، ط. دارالهلال.

[۱۶] همان ماخذ، ص ۲۱.

[۱۷] همان ماخذ، ص ۲۱.

[۱۸]

سموالمعنی فی سمو الذات ط ۲، ص ۵۷، تالیف عبدالله علائلی.

[۱۹] تاریخ طبری، ط دارالمعارف مصر، ۵/۳۳۱.

[۲۰] تفسیر روح البیان، اسماعیل حقی بروسوی، ۴/۴۱۸ ذیل آیه ۲۸ سوره ابراهیم؛ و نیز تفسیر قرطبی،۹/۳۶۴، ذیل همان آیه، فضائل الخمسه ۳/۳۰۳ باب ۲۶.

[۲۱] فضایل الخمسه ۳/۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵.

[۲۲] الحسین ابوالشهدا، ص ۲۵-۲۳.

[۲۳] الآثار الباقیه عن القرون الخالیه، تالیف ابوریحان محمد بن احمد البیرونی باب «القول علی ما یستعمله اهل الاسلام». و ترجمه الآثار الباقیه فصل بیستم، ترجمه اکبر دانا سرشت و دائره المعارف بستانی ماده «عشر».

[۲۴] الآثار الباقیه باب «القول علی ما یستعمله اهل الاسلام» و ترجمه آن فصل بیستم، ترجمه اکبر داناسرشت.

[۲۵] بحارالانوار، ۴۴/۲۷۰.

[۲۶] همان، ۴۴/۲۷۱.

[۲۷] الکامل فی التاریخ، ذکر احداث سال یازدهم.

[۲۸] ... و انی لم اخرج اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظالما و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی... رک: بحارالانوار، ۴۴/۳۲۹ و سمو المعنی لسمو الذات، ص ۱۳۵۹،۱۰۶.

[۲۹] ... الاترون ان الحق لایعمل به و ان الباطل لایتنهی عنه... تاریخ طبری ۵/۲۲۹ ط - المطبعه الحسینیه المصریه.

[۳۰] سبقت العالمین الی المعالی بحسن خلیقه و علو همه و لاح بحکمتی نورالهدی فی لیال فی الضلاله مدلهمه یرید الجاحدون لیطفؤوه و یابی الله الا ان یتمه.رک: بحارالانوار ۴۴/۱۹۴.

[۳۱] البرهان فی تفسیر القرآن، سوره فجر.

[۳۲] همان.

[۳۳] حسین وارث آدم، صفحه ۲۱۲ به بعد.

[۳۴] لؤلؤ و مرجان، انتشارات نوین، ص ۳۸.

[۳۵] همان ماخذ.

[۳۶] وسائل الشیعه،۳/۵۳ ط اسلامیه.

[۳۷] مجله رساله الاسلام، سال ۱۱، شماره ۳، ص ۲۶۴.

[۳۸] الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندالله، سوره توبه، آیه ۲۰.

[۳۹] سیاسه الحسینیه، ص ۸، و ۵۱ ط زهره.

[۴۰] اعیان الشیعه، ۱/۵۸۱... ان الدعی ابن الدعی قد رکز

بین اثنتین.. .

[۴۱] تفسیر قرطبی،۹/۳۴۲ ذیل آیه و ذکرهم بایام الله، سوره ابراهیم، آیه ۵۴.

[۴۲] کنزالعمال، ۸/۵۷۱، ط بیروت مؤسسه الرساله، و صحیح مسلم، باب صیام عاشورا، فمن شاء صامه و من شاء ترکه.

[۴۳] مجمع البحرین، ماده «عشر» فی حدیث مناجاه موسی و قد قال یارب لم فضلت امه محمد صلی الله علیه وآله علی سایر الامم...

[۴۴] اعیان الشیعه، ۱/۵۸۶ و۵۸۷ و بحارالانوار ۴۴/۲۷۸.

[۴۵] ... فجعل طینه شیعتنا من نضح طینتنا فقلوبهم تحن الینا... بحارالانوار ۶۷/۱۲۶.

[۴۶] قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله، آل عمران، آیه ۳۱.

[۴۷] فضائل الخمسه،۳/۲۸۵. روایات در این باره بسیار است به همین ماخذ ص ۲۷۰ رجوع شود.

[۴۸] سیاسه الحسینیه، ص ۵۰، ط سال ۱۳۵۱.

[۴۹] اعیان الشیعه، ۱/۵۸۶ ط دارالتعارف بیروت.

[۵۰] بحارالانوار، ۴۴/۲۸۳.

[۵۱] رک: اعیان الشیعه، ۱/۵۸۶.

[۵۲] برای آگاهی بیشتر رک: بحارالانوار، ۴۴/۲۷۸، باب ۳۴.

[۵۳] بحارالانوار ۴۴/۲۷۹.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹